

کتاب دوستی

مجموعه شعر

با مقدمه‌ای مفصل دربارهٔ گرفتاری شعر فارسی

محبود کیانوش

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۷

فهرست مطالب

کتاب دوستی	۷	پیشگفتار
۱۱۳	وسواس	شعر ایرانی، شعر جهانی
۱۱۵	خاک و آب و آفتاب	۱۳ معامله پنهان
۱۱۶	ما هم آمدیم	۵۱ از «دریار» به «روزنامه»
۱۱۸	بیقراری	۱۸ شعر در منظری تازه
۱۲۰	بانگ خروس	۵۲ شاعر و تعهد
۱۲۲	چراغها	۳۱ احیاء و نوستیجات
۱۲۵	بازار روز	۳۹ مردم و شعر مردمی
۱۲۷	باغ نامراد	۴۳ ملاحظه و مکاشفه در شعر
۱۳۱	ستاره های دور	۴۷ آتش مردم، آتش حسرت
۱۳۲	از دامن البرز	۵۶ لسان الناس، لسان النفس
۱۳۵	بهار در جهان	۶۲ شعر شمشیر نیست
۱۳۶	افسون شب	۶۵ تقوّد کهنه اندیشی در نو گویان
۱۳۷	تهران	۹۰ لحظه های پاک و عزیز
۱۳۹	تادم آخر	۹۴ شعر و شبه شعر
۱۴۲	سادگی از من بود	۱۰۱ نقد وطنی، نقد جهانی
۱۴۴	شاید که خاک	۱۰۴ هنر و ادبیات

فرصت	۱۴۵	جهان بیداری	۱۸۳
سبز و آبی	۶۴۱	دردمندیها	۱۸۶
شب در بیابان	۱۴۸	مرغابیها	۱۹۰
ای خسته	۱۵۰	این ستارهها	۱۹۲
از سر صخره یا سخره	۱۵۲	آشنایی	۱۹۴
کژدم سیاه	۱۵۳	ستایش بلوط	۱۹۷
این موش کور	۱۵۴	آه، ای خورشید	۱۹۸
باور مکن	۱۵۶	تماشا	۲۰۰
ما می‌رویم	۱۵۸	آن دوره گذشت	۲۰۲
باد است، باد	۱۶۰	خون	۲۰۴
قامت حی	۲۶۱	صبح تلخ	۲۰۵
ای ناگزیر	۱۶۴	خار و مروارید	۲۰۸
خط چهلیم	۱۶۶	گل سرخ	۲۰۹
پر نده در غبار	۱۷۰	باید آوازمان را بخوانیم	۲۱۱
در باغ وحش	۱۷۲	بازی	۲۱۴
جوی و رود و دریا	۱۷۵	با ابر آشنایم	۲۱۶
اکنون در سکوت	۱۷۸	لُغز	۲۱۸
دردی دارم	۱۷۹	حال گندی دارم	۲۲۱
بی غبار	۱۸۱	ناگاه	۲۲۳

پیشگفتار

این کتاب که کتاب دوستی عنوان دارد، گزیده شعرهای سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۶۷ است. به اضافه ۵ شعر از گذشته‌های دورتر، که آن را در سال ۱۹۸۸ در لندن منتشر کردم و چاپ و پخش آن را «انتشارات شما» به مدیریت «منوچهر محجوبی»، بر عهده گرفت. حالا، در آخر سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۶) که آن را برای انتشار در ایران آماده کرده‌ام، می‌خواهم بگویم که در موقع تایپ کردن هر یک از شعرهای آن، به جای گوینده آن، خواننده آن شدم، و با تأمل در ساختمان کلامی و هنری آن شعر، در پیوستگی با جهان بینی معنایی آن، در مجموع به دریافتی رسیدم که می‌تواند دریافت هر ناقد اصیل و صاحب اصول جهانی باشد.

دیدم که هر یک از این ۵۴ شعر، نمونه متفاوتی است از یک «قالب» تو برای موضوعی که آن قالب را به خود پذیرفته است، و «موضوع» برداشتی است از واقعیت‌های زندگی انسان در یک جامعه، در وابستگی‌های آشکار و نهفته به نظام اجتماعی و سیاسی آن جامعه و ماهیت عنصرهای فرهنگی و مایه‌های معنوی آن، و عبور این برداشت از موقعیت «فردی» در محیط «محلی» به موقعیت «انسانی» در حیطه «جهانی».

دیدم که موضوع هر شعر «اندیشه‌ای» در هماهنگی با «احساسی» گذشته از «ذهن» یکی از «انسانهای تاریخی» امروز جهان است، که تصادفاً زبانش «فارسی» است، همان‌طور که هریک از دیگر «شاعران جهانی» امروز، تصادفاً زبانش یکی از زبانهای زنده بالنده صاحب فرهنگ و ادبیات جهان است، و هر موضوع دیده‌چشمی و حس کرده دلی و دریافته شعوری در «فردیت» کسی است که با شعر به معنای «جهانی» آن آشناست، و به همین دلیل وقتی که با تأثر از یک واقعه «زادبومی»، صورت یک شعر در آیین ذهنش حضور پیدا می‌کند، ذهنش که در ملاحظه کنشها و واکنشهای انسانی با حساسیت تاریخی و جهانی پرورش یافته است، صورت آن شعر را با خطها و رنگهای کلامی چنان می‌پردازد که هر فرد شعرآشنایی، در هر جایی از جهان که باشد، تا آن صورت را در آیین زبان بومی خود ببیند، آن را روایت حالی از حالات خود در لحظه‌ای از لحظه‌های تأمل و مکاشفه خود می‌گیرد و خواندن آن شعر به دایره تجربه‌های معنوی و هنری او در می‌آید.

دیدم که شعرهای این کتاب، که گوینده آن زاده و پرورده محیط جغرافیایی زبان فارسی است، به هر زبان دیگری ترجمه بشود، خواننده آن خود را با احساسها و اندیشه‌هایی که در آنها به وصف درآمده است، آشنا می‌بیند و بدون نیاز به اطلاعات توضیحی، در دیدگاه شاعر می‌ایستد و با او موقعیت انسانی شعر را ذهناً و روحاً تجربه می‌کند. به عبارت دیگر، برای خواننده ترجمه، گردش و تماشا در چشم‌انداز شعر، سفر یک سیاح به کشوری ناآشنا، با محیط و فرهنگ و آداب و رسوم و سنتهایی کاملاً متفاوت، و در موردی غریب و نگران‌کننده و سؤال‌انگیز نخواهد بود.

دیدم که در شعرهای این کتاب جنبه‌های زندگی مادی و معنوی انسان از همدیگر جدا نیست. انسان با مجموع حالات و نفسانیات

مختلف خود یک «واقعیت اصیل» است. اگر در یک حالت معین، احساس و اندیشه‌اش جنبه «سیاسی» پیدا می‌کند، برای این است که «سیاست» جزئی از جهان‌بینی انسان است، و این امر او را به «انسان سیاسی» تبدیل نمی‌کند. و اگر در حالتی دیگر، احساس و اندیشه‌اش در جنبه‌ای «فلسفی» نمودار می‌شود، برای این است که «فلسفه» هم جزئی از جهان‌بینی انسان است، و این امر از او «انسانی فلسفی» نمی‌سازد. و اگر در حالتی دیگر در احساس و اندیشه‌اش سرمستی و خرم‌دلی برخاسته از لذتهای حیاتی و درک زیباییهای طبیعی و هنری بروز می‌کند، برای این است که «لذت» در موجودیت طبیعی انسان، رمز اصیلی «عشق» به زندگی است، و همه جانوران هم، به‌طور غریزی خواهان لذتند و گریزان از رنج، و این امر انسان را به «لذت‌جویی» و «خوشگذرانی» مطلق وابسته نمی‌کند. به عبارت دیگر «شعر سیاسی»، «شعر فلسفی»، «شعر عرفانی»، «شعر عشقی»، «شعر عیشی» نداریم، «شعر انسانی» و «شعر جهانی» داریم که در آن، در موقعیتهای متفاوت، ضرورت و جلوه یکی از جنبه‌های متفاوت جهان‌بینی انسان نمایان‌تر می‌شود.

دیدم که شعرهای این کتاب، مثل شعرهای کتابهای دیگر این شاعر، در مجموع با شعرهای شاعران دیگر یک تفاوت اساسی دارد، و آن برکنار ماندن از جریان نهفته «معامله» ای است و سوسه‌انگیز و فریبنده بین «شاعر» و «مردم»، بدون اینکه هیچ‌یک از دو طرف معامله از ماهیت و اثرات اجتماعی و فکری و ادبی آن آگاهی و شناختی داشته باشد. در اینجا توضیحی درباره این معامله پنهان را لازم می‌بینم.